



۲۰۲۱/۰۲/۱۳

محمد عارف عباسی

پیشنهاد

به ارتباط بیرون رفت از بحران کنونی سیاسی افغانستان، که با تیر شدن هر روز با افزایش خون ریزی پیچیده تر و دشوار تر می گردد، با گزارشات و رویداد های خونبار، تلفات جانی و مالی و ربودن آرامش روانی یک ملت و آینده مبهم. در گنجاندن آن به حیث یک فاجعه هولناک بشری شکی باقی نمی ماند، باید سنج و پوست کنده گفت که خلیزاد خودش، و سیاسیون پاکستان، توسط طالبان، به ابعاد این بحران بر بنیاد دلایل خاص خود شان افزودند که مهمترین دلیل به وضاحت کنار بردن افغانستان بود در داشتن سهم مستقیم در مرحله مهم و حساس حل این بحران (آغاز مذاکرات صلح) که جانب حقوقی، شرعی، منطقی و قانونی بود. این تلاش دوگانه اهداف خلیزاد را به نحوی و خواسته های پاکستان را به رقیمی بر آورده می ساخت.

به وضاحت می توان گفت که توان اتخاذ هر گونه تدبیر سیاسی برای حل این معضله برای افغانستان نهایت ضیق حتی نا ممکن گردیده. خلیل زاد سنگ اولی تهداب حل این بحران را، با کشاندن غیر مؤجه پای منافقین سیاسی، فرصت طلب داخلی (مشتریان قدیم خود) را کج گذاشت، و از بدو مرحله این قضیه را معلق و بغرنج گردانید و زمینه مداخله مستقیم روسیه و ایران را فراهم ساخت. که اگر مقصد ترمپ را بر آورده می ساخت و رفقای قدیم را دوباره شامل صحنه سیاسی افغانستان می کرد خلیزاد در سطح جهانی برنده جاززه نوبل ویا مرد صالح قرن می بود ودر وطن آبایی خود سهم دار بزرگ خرمن انباشته شده ثروت سر شار خزائن دوستان قدیم می گردید (چنان چه از کنفرانس بن به دست آورد).

به هر حال واقعیت ها گواهی نی بلکه حکم می کند که هر نوع ابتکار عمل برای بیرون رفت از این بحران از نزد افغانستان به یغما برده شده.

حکومت بایدن هم در اتخاذ تصمیم در مورد این میراث پر جنجال در دو راهی قرار دارد، که آیا خلاف اراده ملی و مالیه پردازان امریکا با این جنگ دوامدار بی نتیجه حضور قوای نظامی خود را در چنین وضع بحرانی اقتصادی در افغانستان تمدید نموده و به راه حل نظامی متوسل شود، برای چه مدت و با چه تلفات و مصارف. انتخاب دیگر تعقیب راه به سر نارسیده ترمپ است با تغییرات سطحی که مطابق خواست و میل طالب و پاکستان صورت می گیرد.

اما یک امیدواری نازک سیاسی وجود دارد که اگر امریکا حلقه رقبای چین را در منطقه استحکام بخشیده و هندوستان را با دادن امتیازات مالی و نظامی شامل این حلقه سازد. در آن صورت پیمان

ستراتژیک امریکا و پاکستان ضعیف شده احتمالاً پاکستان برای حفظ منافع خود از حمایت طالبان دست برداشته و در سیاست عمق ستراتیژیک خود در افغانستان تجدید نظر نماید.

راه حل عملی بحران افغانستان که باید به ابتکار امریکا صورت گیرد:

در شرائط کنونی یگانه راه رهایی افغانستان از این حالت بحرانی بگونه مسالمت آمیز سیاسی، به پیشنهاد امریکا، انعقاد یک اجلاس بین المللی تحت اداره ملل متحد در جینوا یا نیویارک است به شمول:

- نمایندگان دائمی شورای امنیت ملل متحد.
 - نماینده اتحادیه اروپا
 - اعضای پیمان ناتو
 - نماینده کنفرانس اسلامی
 - رؤسای جمهور، پادشاهان و یا وزرای خارجه ایران، پاکستان، عربستان سعودی، ازبکستان، تاجکستان، ترکمنستان و چین.
- مذاکرات و مصوبات، به نظر من، روی موضوعات آتی صورت گیرد:
- اول- فیصله قاطع مبنی بر شمول طالبان به حیث یک جریان غیر مسلح سیاسی در نظام کنونی افغانستان از طریق انتخابات و رهایی زندانیان شان با تعهدات تضمین شده گسستن با گروه های تروریستی منطقه و بین المللی.
- دوم- مسدود شدن دفاتر، پایگاه ها و مراکز تعلیم طالبان در پاکستان.
- سوم- به رسمیت شناختن استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان.
- چهارم- عدم مداخله کشور های منطقه و فرا منطقه در کلیه امور افغانستان.
- پنجم- ایجاد صندوق وجهی بین المللی برای عودت مهاجرین بدون اسناد افغان از ممالک همسایه و دیگر ممالک.
- ششم- کمک جامعه جهانی برای عودت بی جا شدگان چهار دهه جنگ به محلات زیست اصلی شان.
- هفتم- تشکیل قوای صلح ملل متحد برای نظارت و مراقبت جدی از تصاویر این مجلس تأریخی.
- هشتم- تداوم کمک های جامعه جهانی برای انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان به منظور خود کفایی افغانستان.
- نهم- کمک های مالی و تخنیکی برای تقویت مؤسسات عدلی، قضایی و مبارزه با فساد.
- دهم- طرح و تدوین قوانین بین المللی برای محو زرع و تجارت مواد مخدره.
- یازدهم- خروج کامل نیرو های نظامی امریکا و متحدین مطابق شرائط و ضرب لاجل معین.
- دوازدهم: فیصله های این اجلاس به حیث سند معتبر رسمی بین المللی در دیوان ملل متحد با نمره و تاریخ ثبت گردد.



برای مطالب دیگر محمد عارف عباسی، بروی عکس کلیک کنید